

رشد و توسعه شهرنشینی در ایران «با تاکید بر فعالیتهای اجتماعی-اقتصادی»

دکتر مهرداد نوابخش

دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

mehرداد_navabakhsh@yahoo.com

سروش فتحی

عضو هیات علمی واحد گرمسار و دانشجوی دکتری تخصصی واحد علوم و تحقیقات

fathi_sh9@yahoo.com

چکیده:

نظام شهرنشینی و روند سریع آن در کشور های در حال توسعه سبب هجوم گسترده به شهرها و پیدایش بخش خدمات متورم، حاشیه نشینی گسترده، بیکاری پنهان، پیدایش دوگانگی شبکه های اجتماعی مهاجرین در شهرها می گردد. به بیان دیگر شهرنشینی یکی از مهمترین پدیده های عصر حاضر است، تا جائیکه صحبت از انقلاب شهری در دنیا می شود. در ایران نیز تحول شهرنشینی بسیار شتابان و سریع بوده است. یک قانون ساده جامعه شناختی می گوید هر تحول و تغییر خارج از قاعده و سازمانی منجر به پیامدهای ناخواسته بسیاری می شود. الگوی توسعه شهری در ایران الگوی تسلط تک شهری و نیز تمرکز گرایانه بوده است. در سه چهارم دهه اخیر ایران چندین بوم (Boom) مختلف را پشت سر گذاشته از آن جمله بوم نفت، بوم شهرنشینی و بوم زایشهای بسیار (جمعیت). در چنین شرایطی شهرنشینی با پیامدهای بسیاری همراه خواهد بود از جمله توزیع بی عدالتی، گسترش آسیبهای اجتماعی و ناهمگونی فزاینده اجتماعی و کمک به گسترش انواع بحرانهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.

واژگان کلیدی: شهر، شهرنشینی، رشد، توسعه، فعالیتهای اجتماعی - اقتصادی، ایران

مقدمه

توزیع شهرها و به تبع آن تمرکز جمعیت نقاط شهری در کشور ما از همسانی و مشابهت زیادی برخوردار نیست. توزیع جمعیت در خاک یک کشور به عوامل تاریخی گذشته و نیز به ویژگیهای زمان حال بستگی دارد. افراد در ابتدا به خاطر وجود امکانات غذایی، شرایط آب و هوایی و جغرافیایی مساعد در یک منطقه خاص ساکن می شدند، اما افراد

کنونی به دلایل متفاوتی در یک منطقه مستقر می شوند. طی قرن اخیر، ظهور کلان شهرها و مناطقی با تراکم جمعیتی بالا، نیاز به داشتن آگاهی درست از توزیع جمعیت و تجزیه و تحلیل آن را احساس نموده است. شهرنشینی با شتاب بیشتر، پدیده قرن حاضر است و به مرور زمان جمعیت بیشتری محل سکونت خود را از مناطق روستایی به مناطق شهری تغییر می دهند که بخش فزاینده ای از آنها نیز شهرهای بزرگ را انتخاب می کنند.

در واقع شهرنشینی یکی از موضوعات مهم عصر جدید شده است و تاجایی که از انقلاب شهری یاد می شود. ایران از جمله کشورهای در حال توسعه است که نرخ رشد شهرنشینی در آن به سرعت سرسام آوری در چند دهه اخیر متحول شده است. بطوریکه طی سالهای گذشته میزان رشد شهرنشینی ۴/۴ درصد بوده و در همین دوره متوسط رشد تولید ناخالص داخلی تنها ۱/۴ درصد بوده است. الگوی برونزای توسعه شهری از یکسو و توزیع نامتناسب جمعیت شهری در پهنه جغرافیایی کشور از سوی دیگر سبب شده است تا سیاستهای شهری و الگوی توسعه آن چندان مطلوب و پایدار نباشد. الگوی شهرنشینی از بیماریهای بسیاری از جمله طراحی بی روح و نامتوازن (تئوری شهرهای خاکستری)، فاصله زیاد بین مناطق در برخورداری از خدمات شهری و عدم مشارکت شهروندان و رشد خارج از اراده مدیریت شهری شهرها (ساخت و سازهای غیر مجاز و حاشیه نشینی) در رنج است.

به عبارتی دیگر هر تحول و تغییر خارج از قاعده و سازمانی در شهرهای کشور منجر به پیامدهای ناخواسته ای شده است که از جمله آن می توان به توزیع بی عدالتی، گسترش آسیب های اجتماعی و ناهمگون فزاینده اجتماعی و کمک به گسترش انواع بحرانهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره نمود. همچنین الگوی توسعه شهری در ایران، الگوی تسلط تک شهری و نیز تمرکز گرایانه بوده است.

ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه که از اوایل قرن بیستم به صورت رسم و سازمان یافته در معرض پدیده های نوسازی غرب قرار گرفت، طی دهه های گذشته به شدت متأثر از روند شهرنشینی بوده و به نوعی عدم تعادل در حوزه های جمعیتی و اقتصادی دچار شده است. شهرنشینی، جامعه ایران را در طی دهه های گذشته دستخوش تحولات زیادی ساخته است، در حالی که خود شهرنشینی در ارتباط با پدیده های دیگری همچون رشد جمعیت قابل بررسی است. در واقع ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه در طی دهه های اخیر با این دو پدیده مرتبط به هم یعنی افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی مواجه بوده است.

طی دوره های ۱۳۸۰-۱۳۰۰ میزان شهرنشینی در کشور به بیش از دو برابر رسیده است و این میزان از ۲۸ درصد در سال ۱۳۰۰ به ۶۱/۳ درصد در سال ۱۳۷۵ و ۶۵ درصد در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. تعداد شهرهای کشور از ۱۹۹ نقطه شهری در سال ۱۳۳۵ به ۶۱۴ نقطه شهری در سال ۱۳۷۵ رسیده که نتیجه آن تغییر ترکیب جمعیت کشور از یک وضعیت غالباً روستایی و عشایری به یک ترکیب اکثریت شهرنشین می باشد. چنین وضعیتی در همه کشورهای جهان سوم از سال ۱۹۵۰ میلادی به بعد مشاهده می شود. هر چند آهنگ تغییر و رشد شهرنشینی میان کشورها و مناطق متفاوت است، اما تقریباً همه کشورهای جهان به سرعت در حال شهری شدن می باشند، این وضعیت در کشورمان (ایران)

به خوبی قابل مشاهده است. این مسئله مطالعه شهر و پویای شهرنشینی را بیش از پیش ضروری می‌سازد. در واقع جامعه ما به تازگی قدم در مسیر شهری شدن نهاده است، لذا مسائل و مشکلات اجتماعی، قومی و فرهنگی شهرها روز به روز اهمیت بیشتری یافته است.

گسترش شهرنشینی به خصوص در دوره معاصر سبب دل مشغولی بسیاری از نخبگان و صاحب‌نظران گوناگون به مسائل و پیامدهای ناشی از توسعه شهر و شهرنشینی شده است. گسترش شهرنشینی به عنوان یک پدیده معمول در جوامع، موجب شده که مسئله شهر یکی از مسائل جامعه شناسی شود.

نظام شهرنشینی و روند سریع آن در کشورهای در حال توسعه سبب هجوم گسترده به شهرها و پیدایش بخش خدمات متورم، حاشیه نشینی، بیکاری پنهان و پیدایش دوگانگی شبکه های اجتماعی مهاجرین در شهرها می‌شود. شهرهای کشورهای رشد نیافته نهادهای دورگه ای هستند که در نتیجه دو واکنش پدید آمده اند. اول واکنش به تقسیم کار اجتماعی که پدیده ای بومی است و دوم واکنش به ادغام در اقتصاد جهانی (گیلبرت و گالگر ۱۳۷۵: ۳۱).

توسعه جامعه (توسعه درونزا) بر تمامی اجزا ارتقای سطح زندگی اکثریت افراد فراهم آوردن امکانات، هدایت آگاهانه جامعه توسط مردم تکیه دارد. رسیدن به خواستی علاوه بر شناسایی امکانات و توانایی های بالقوه ماده و تخصصی جامعه نیازمند توجه خاص به شرایط تاریخی، سنن فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و روانشناسی اجتماعی نیز می باشد و این روند، جدا از روند گذشته جامعه نخواهد بود.

روش تحقیق: در این مقاله رشد و توسعه شهرنشینی در ایران با تاکید بر فعالیتهای اجتماعی - اقتصادی آن به روش اسنادی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است

چارچوب نظری:

یکی از نظریات مهم در مورد شهر و شهرنشینی، مفهوم الگوی انقلاب شهری گوردن چایلد است. از نظر او پیدایش شهرها با دو انقلاب عظیم در ساخت اقتصادی و سازمانهای اجتماعی همراه بوده است و این دو تحول خود پیامد رشد جمعیت بوده است.

ویژگی متمایز کننده شهر از روستا از نظر چایلد عبارتست از گستردگی نخستین شهرها از نظر وسعت و تراکم درمقایسه با روستاها، تفاوت در بناها و نوع فعالیت، وجود طبقات در شهر، پیشرفت انواع علوم در شهر و .. متفکران هنگامی که راجع به عوامل و نیروهای رشد شهرها و امکان پیش بینی تحولات آنها صحبت می کنند، دو نوع تئوری وجود دارد:

الف) تئوری توضیحی: یعنی آنچه را که هست به توصیف می کشاند و سعی در نمایاندن علتهاش دارد.
ب) تئوری هنجاری: که هدف آن چیزی است که باید باشد. یعنی یافتن بهترین جایگزین هابرای شرایط وجود. (ادیبی،

اما همچنان که از راسل آکوف نقل شده است در عمل معمولاً این دو نظریه یا نگرش با هم ادغام می‌شوند. وی یادآور می‌شود که برای بررسی رابطه دو پدیده مانند (شهرنشینی و توسعه اقتصادی) سه رابطه قابل تصور است: رابطه علی، یعنی یکی علت دیگری است.

علت احتمالی که مجموعه از علل معلول مشخصی را ایجاد می‌کنند.

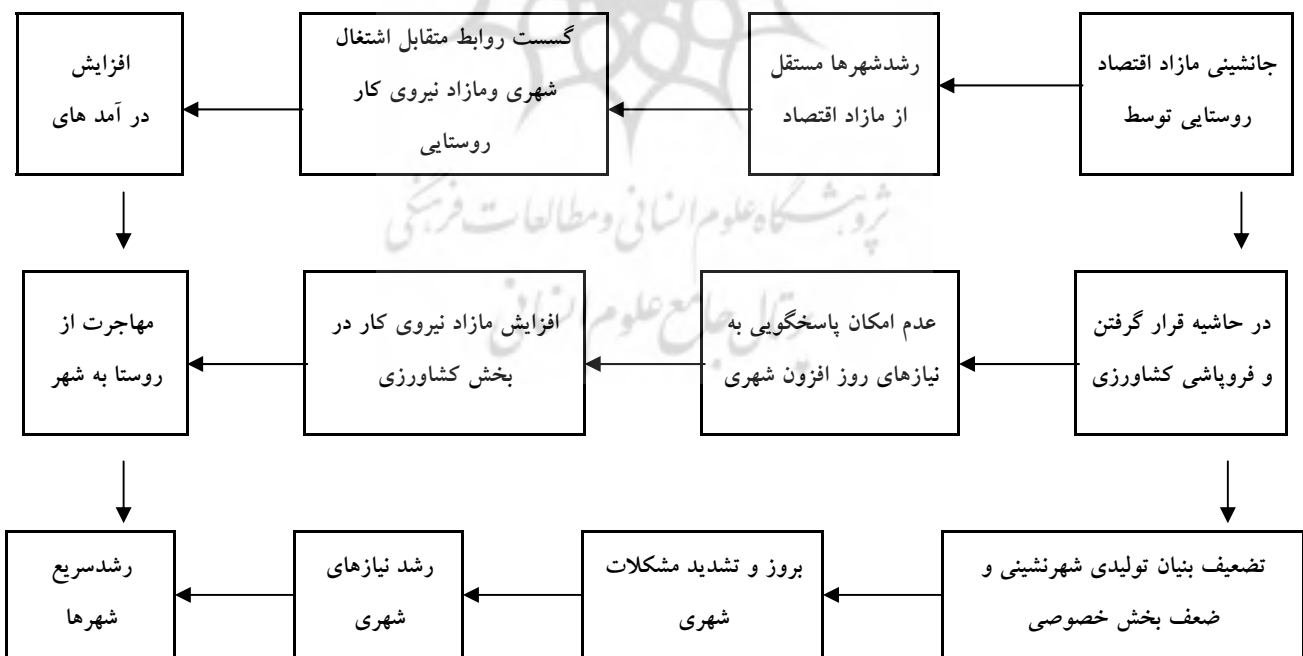
رابطه همبستگی بین دو پدیده که در این حالت تغییر مجموعه ای از پدیده‌ها با تغییر در عده ای دیگر همزمان است ولی بین آنها رابطه علی وجود ندارد.

در تحقیقات شهری نوع سوم رایج‌ترین رابطه ای است که بین پدیده‌ها یافت می‌شود ولی در خیلی از موارد در اثر تحقیقات تجربی می‌توان به توضیح رابطه علی نیز پرداخت. (ادیبی، ۱۳۵۶: ۱۱۲)

مطالعه و بررسی شهرنشینی در ایران در سه محور اساسی و تحلیل عامل رشد شتابان و سریع، مطالعه روندهای و مکانیزمهای تحول شهرنشینی در مناطق مختلف و بررسی پیامدهای ناشی از شهری شدن جامعه ایران قابل تصور است. باید یادآور شد که مطالعه شهرنشینی به ویژه در ایران سکه دورویی است که روی دیگر آن روستا و تحول آن است و تحلیل تحولات شهری بدون توجه به روی دیگر آن مقدور نمی‌باشد.

نمودار زیر رابطه علت و معلولی و پیامدهای ناشی از رشد سریع پدیده شهرنشینی را در کشور در ارتباط با بخشهای مختلف نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مدیریتی و جمعیتی نشان می‌دهد.

نمودار شماره (۱): چگونگی تحول و پیامدهای شهرنشینی



(اعتماد، ۶۶: ۱۳۷۷)

پل سینجر معتقد است که برای درک مساله شهر ابتدا باید تفاوت و رابطه شهر و روستا را بررسی کرد. شهر زمانی می تواند وجود داشته باشد که نیروهای تولیدی در روستا تا آن حد تکامل یابند که قادر باشند بیشتر از حد نیاز خود تولید کنند ولی تنها تولید مازاد برای ایجاد شهر کافی نیست بلکه باید روابطی به وجود آید تا جریان مدام انتقال مازاد مذکور از روستا به شهر تضمین شود.

پل سینجر در مورد پیدایش طبقه ای که به کار کشاورزی نمی پردازد معتقد است که در شیوه های تولید پیش از سرمایه داری، روابط تولیدی به صورتی بوده که اولاً تولید کنندگان عوامل تولید یعنی زمین و ... را در اختیار داشته اند و ثانیاً همواره کالایی تولید می کرده اند که قابلیت مصرفی داشته باشد. از آنجا که عوامل تولید ممکن بود مورد تجاوز دیگران قرار بگیرد، کشاورزان مجبور بودند در مواقع لزوم برای حفاظت از آنها به کارهای جنگی مشغول شوند. ولی با افزایش جمعیت و توسعه زمینهای کشاورزی، وجود نیروهای نظامی به صورت مستمر ضروری به نظر می رسید و به تدریج جنگجوها ساکن قلعه ها شدند طبقه ای را بوجود آوردند که در تولید شرکت نمی کرد ولی مازاد محصول را تصاحب می کرد. در این زمان است که ساخت طبقات اجتماعی استحکام می یابد و موجب انتقال مازاد تولید از روستا به شهر می شود.

بنابراین می توان گفت پیدایش شهر از نظر پل سینجر مترادف با پیدایی جامعه طبقاتی و در نتیجه حاصل از آن است. تئوری اقتصادی در پیدایش شهرها معتقد است که رشد و توسعه شهری خود محصول وزاده پروسه اقتصادی است. شهرها محصول تکامل اقتصادی جوامع از مرحله شبانی به مرحله کشاورزی هستند. با تکامل کشاورزی و ظهور صنعتگران کم شهرنشینی به گونه ای کاملاً مجزا از روستانشینی و اقتصاد کشاورزی درآمد. این تئوری معتقد است که عوامل اقتصادی بارزترین و اصلی ترین عاملی است که سیمای شهرها را شکل داده و چگونگی نحوه رشد آنها را تعیین می کند. از این تئوری می توان به آرتل، گریسن، آلفرد وبر، ایسارد و وینگو اشاره کرد (ادیبی، ۱۱۸).

سیاستهای جمعیتی و توسعه شهرنشینی در ایران

تا آغاز دهه ۱۳۳۰ رشد جمعیت در ایران شکل نگران کننده نداشت و تا اوایل دهه ۱۳۴۰ برنامه کنترل جمعیت مورد توجه قرار نگرفت. جمعیت رو به افزایش کشور در اواخر دهه ۱۳۴۰ مسئولان کشور را به فکر کنترل جمعیت واداشت و از آن زمان سیاست "فرزند کمتر زندگی بهتر" سرمشق برنامه های جمعیتی قرار گرفت و تا حدودی نیز توانست به کنترل میزان باروری پردازد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی که تحولاتی در ساخت ارزشی و هنجارهای اجتماعی بوجود آمد، برنامه کنترل جمعیت نیز توسط اکثریت روحانیون مورد نکوهش قرار گرفت و حتی برخی از مردم بر این اساس کنترل جمعیت را گناهی نابخشوده می دانستند. این نگرش و ایدئولوژی و پندارهای دیگر در مورد ازدواج به افزایش باروری دامن زد. از این پندارها می توان به افزایش دامنه ازدواج های مجدد، کاهش سن ازدواج خصوصاً برای دختران و ... اشاره نمود.

شرایط اجتماعی ناشی از جنگ تحمیلی، مخالف نگرش کنترل جمعیت بود. لذا اندیشه فرزندکمترنمی توانست با فضای فکری ناشی از جنگ همخوانی داشته باشد. ولی در سال ۱۳۶۷ با توجه به فتوای امام خمینی در مورد بلاشکال بودن کنترل جمعیت، نقطه عطفی در سیاستهای جمعیتی و اجرای برنامه های تنظیم خانواده بود. در مجموع برنامه ها سیاستهای فوق تا حدودی به افزایش جمعیت خصوصا توسعه جمعیت شهرنشین کشور کمک کرد.

سیاست مربوط به تعریف شهر و توسعه شهرنشینی

در سرشماریهای قبل از سال ۱۳۶۵ شهر شامل کلیه مراکز شهرستانها و نقاطی بود که در هنگام سرشماریها جمعیت آنها پنج هزار نفر و بیشتر بوده است. عامل جمعیت بعنوان مهمترین ملاک تعریف شهر محسوب می شد. از سال ۱۳۶۵ هریک از نقاطی که دارای شهرداری بوده به عنوان نقطه شهری شناخته شده است. طبیعی است که با این تعریف جدید بسیاری از مراکز بخشها و دهستانها که با تلاش و پیگیری اهالی در آنجا شهرداری ایجاد شده باشد اعم از اینکه جمعیت آنها به پنج هزار نفر رسیده باشد یا نه، شامل نقاط شهری می گردند. در جامعه ما پس از شناخته شدن یک نقطه به عنوان مرکز اداری و سیاسی، آن مکان پذیرای جمعیت مهاجر زیادی می گردد و اگر در ابتدا نیز قابلیت شناخته شدن به عنوان یک شهر را نداشته باشد پس از مدتی با جذب جمعیت و خدمات مورد نیاز بیشتری، شکل شهر به خود می گیرد.

سیاستهای اقتصادی و اجتماعی

شرایط نابسامان اقتصادی پس از انقلاب و به ویژه شرایط پس از آغاز جنگ تحمیلی که با نوعی تحریم همه جانبه اقتصادی همراه بود، به ناچار کشور را به سمت نظام جیره بندی و کالاهای یارانه ای کشاند و البته این نظام در برآوردن نیازهای اولیه به جای اینکه با کاهش بی عدالتی و فقر عمومی همراه باشد، ناخواسته زمینه افزایش جمعیت را فراهم کرد. زیرا نظام جیره بندی کالابری مبتنی بر تعداد عائله خانوارها بوده و بالطبع هر خانواری که از تعداد فرزندان بیشتری برخوردار بود، از میزان کالای یارانه ای (کوپنی) بیشتر بهره مند می شد و در نتیجه انگیزه فرزندآوری را در بین طبقات متوسط و فقیر جامعه افزایش می داد.

از سوی دیگر در نظام توزیع کالاها و خدمات و برخی تسهیلات زیربنایی، تعداد فرزندان به عنوان امتیاز قلمداد می شد. مثلا در ارائه زمین یا خانه سازمانی، وسایل خانگی و ... هر فرزند امتیاز معینی را در بر داشت. به صورت جزئی تر می توان به سیاست نظام اداری در بها دادن به تعداد فرزندان در تعیین میزان عائله کارمندان و یا انتقال کارکنان آموزش و پرورش اشاره کرد. مجموعه این شرایط زمینه افزایش جمعیت کشور و به ویژه جمعیت شهرنشین را فراهم ساخته است. سیاست واگذاری زمین شهری به کارکنان دولت و حتی معلمانی که در روستاهای کنار مراکز شهری زندگی می کنند، از جمله مشوق های حضور و تراکم جمعیت در مناطق شهری است.

مارتین لیتون در مقاله خود به نام "سونگری شهری" استراتژی جایگزینی واردات را مطرح کرده است. استراتژی جایگزینی واردات باعث سوق دادن جریان توسعه به سمت مناطق شهری و در نتیجه افزایش مهاجرت می شود. اتخاذ این استراتژی بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز شد و در هنگام جنگ تشدید گردید. از عوارض این سیاستها، سرمایه گذاری بیشتر در شهرها، کاهش ارزش پول داخل در مقابل ارز خارجی، ارائه سوبسید به بخش صنعت در مقابل ورشکستگی بخش کشاورزی و به طور مصنوعی با دخالت دولت قیمت محصولات کشاورزی در حد پائین نگه داشتن و در نتیجه افزایش مهاجرت روستا-شهری را می توان نام برد. در ایران نیز بویژه پس از اصلاحات ارضی، انجام اقداماتی در ساختار فعالیت کشور یعنی ایجاد صنایع مونتاژ و کارخانجات تولیدی در اطراف شهرهای بزرگ و توجه به بخش شهری، روند مهاجرت روستا-شهری را تسریع کرد و میل به تحصیل و بهره گیری از امکانات فضای شهری زمینه های بعدی افزایش مهاجران بوده است.

اشتغال و توسعه شهرنشینی

با افزایش میزان شهرنشینی در کشور، تحولاتی در ساخت فعالیت از جامعه افزایش نسبت شاغلان در بخشهای شهری ایجاد شد. میزان افزایش در تعداد شاغلان متناسب با افزایش در جمعیت کشور به ویژه رشد شهرنشینی نبوده است.

همانطور که اشاره گردید، استراتژی جایگزینی واردات، ساختار فعالیت اقتصادی را متحول ساخت و به دنبال آن تغییراتی را در توزیع جمعیت فعال ایجاد کرده است. در چند دهه گذشته به ویژه پس از اجرای اصلاحات ارضی، ورود صنایع مونتاژ و کالاهای سرمایه ای خارجی، که منطبق با این استراتژی است شهرها به عنوان کانونهای عمده اقتصادی و فعالیت شناخته شدند. از سوی دیگر بخش کشاورزی به خاطر تکنولوژی پائین، بهره وری کم و کیفیت بالنسبه پائین و زیانهای ناشی از اختلاف قیمت تولیدات این بخش با بخشهای شهری، قابلیت رقابت خود را به تدریج از دست داده است. در نتیجه این امر بخشی از کارگران بخش کشاورزی و دهقانان کم زمین و بی زمین برای کارایی راهی مراکز شهری شدند. این وضعیت زمینه ساز مهاجرت فزاینده روستا-شهری شد.

صنعتی شدن و توسعه شهرنشینی

افزایش جمعیت شهری در ایران و توسعه شهرنشینی، همراه با افزایش مشاغل تولیدی و صنعتی متناسب بارشد جمعیت نبوده است. علیرغم دربرابرشدن تعداد جمعیت در فاصله سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵، تنها ۴۸٪ بر تعداد شاغلان بخش صنعت افزوده شده است و در همین دوره بخش کشاورزی با کاهش میزان فعالیت روبرو بوده است.

شهرهای کشورهای در حال توسعه به لحاظ وجود کانونهای متمرکز اقتصادی، در موقعیت نسبتا مناسبی از اشتغال برخوردارند، اما روستاها عمدتا عرضه کننده نیروی کار می باشند. در همین شهرها عدم توازن بین رشد اشتغال و رشد جمعیت های جویای کار دارای شرایط متفاوتی با کشورهای توسعه یافته هستند. هرچه بر میزان بیکاری در روستاها

افزوده می شود، به همان نسبت حجم اشتغال در مشاغل خدماتی و یا کاذب ویا ورودبه کارهای مغایر قانون مثل قاچاق، سرقت، فحشا و ... در شهرها فزونی می یابد علاوه براین افزایش جمعیت در مناطق شهری، شهرها را تبدیل به بازار تولیدات کشاورزی می کند و مشاغل واسطه ای را افزایش می دهد.

مصرف گرایی و توسعه شهرنشینی

کشورهای جهان سوم در جریان توسعه نابرابر تبدیل به کانونهای مصرفی می شوند. شهرهای بزرگ در جهان سوم، مشخصه کانونهای مصرف گرایی هستند که از یک سو تولیدات بومی را از نقاط کمتر توسعه یافته به سمت خود جذب می کنند و از سوی دیگر در ارتباط با دنیای خارج، اولین مرکز جذب و مصرف تولیدات کشورهای توسعه یافته هستند. کشور ما در دهه های اخیر به مصرف گرایی فزاینده سوق پیدا کرده است که این وضع در شهرها بیشتر به چشم می خورد و ارتباط نزدیکی با توسعه شهرنشینی در کشور داشته است. یکی از صنایعی که در حد کمی و نه کیفی به آن توجه شده است، صنعت خودروسازی است که تقریباً عمده تولیدات آن در داخل مصرف می شود. برابر آخرین آمار جهانی، ایران اولین کشور دارای رشد بالای مصرف انرژی است. مصرف بنزین، نفت سفید، گاز مایع و قیر از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۶ به بیش از دوبرابر افزایش یافته است (سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۶).

توسعه ناموزون و رشد کلان شهرها در ایران

یکی از ویژگیهای توسعه ناموزون، تقسیم یک جامعه به مناطق با توسعه نابرابر شامل نواحی مرکز و پیرامون است که در آن مناطق مرکزی امکانات توسعه ای را از مناطق پیرامونی جمع کرده و در این فراگرد عقب ماندگی مناطق پیرامونی و توسعه مراکز جهت معکوس با هم دارند.

از نظر دیدگاه نظام جهانی، سلسله ای از مناطق شامل توسعه کمتر و توسعه بیشتر وجود دارد. مهمترین ویژگی این مناطق مرکزی، جمعیت بالا در قیاس با دیگر مناطق کشور است و از این قبیل، شهرهای بزرگ و حتی کلان شهرهایی شکل می گیرند.

هر شهر بزرگ و یا کلان شهر در حوضه ای قرار گرفت که تا شعاع معینی کلان شهر و یا شهر بزرگ دیگری وجود ندارد و مناطق پیرامونی آن از جنبه های مختلف وابسته به آن هستند. شهرهای مراکز استانها در کشور اغلب چنین ویژگی ای دارند.

دکتر پیران در بررسی خود تحت عنوان "توسعه برون زا و شهر" نشان می دهد مراکز استانهایی که دارای پراکندگی کمتری در جمعیت خود هستند و امکانات طبیعی و غیر طبیعی اقتصادی آنها نابرابر توزیع شده است و از سویی درصد شهرنشینی در آنها بالاست، درصد بیشتری از جمعیت استانها را در خود جذب کرده اند (پیران، ۸۹: ۱۳۶۹).

برای شناخت نابرابری توسعه شهری در کشور از شاخص تمرکز شهری می توان سود جست. این شاخص از طریق تقسیم جمعیت بزرگترین شهر بر مجموع دومین، سومین و چهارمین شهر بدست می آید. در اکثر استانهای کشور مقدار

این شاخص بالاست و مثلاً در استان تهران در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ مقدار این شاخص ۲/۲ و ۲/۳۶ بوده است. درکل کشور مقدار این شاخص در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ به ترتیب ۱/۷۷ و ۱/۵۶ بوده است. در کشورهای غربی و پیشرفته مقدار این شاخص کمتر از یک می باشد.

شاخص دیگر برای بخش توسعه ناموزون شهری، شاخص تقدم و تسلط تک شهری در سطح استانهای کشور است که از تقسیم جمعیت بزرگترین شهر هر استان به دومین شهر همان استان بدست می آید. این شاخص گویای تعادل در توزیع استانی جمعیت کشور است. این شاخص در استانهای خراسان، تهران، فارس، آذربایجان شرقی و سمنان به ترتیب برابر با ۹/۳، ۹/۱۱، ۴/۱۰، ۳/۹ و ۰/۸۲ می باشد که نشانگر عدم تعادل و توسعه ناموزون شهرهای کشور خصوصاً در استانهای خراسان، تهران و فارس می باشد.

تحولات چشمگیر در توسعه شهرنشینی کشور، متأثر از الگوی درون زای توسعه و ترقی اقتصادی کشور نبوده است و بیشتر متأثر از ورود ایران به دوره جدیدی از مناسبات بین المللی و تقسیم کار جهانی بوده است. در الگوی درونزا، رشد شهرنشینی، گسترش شهرها و افزایش میزان آن به همراه تحول و بهبود در نظام اقتصادی، صنعتی شدن، تغییر نظام اجتماعی و سایر مناسبات صورت می گیرد. در حالی که در الگوی برونزا اینگونه نیست. و طبیعی است که این مدل از شهرنشینی مسایل و مشکلات زیادی را به همراه داشته باشد، ضمن آنکه از مشکلات ذاتی و مشترک گسترش شهرنشینی هم در رنج است. از اینرو، مهمتر از نقش شهرنشینی، کیفیت و کمیت شهری شدن است.

توسعه شهرنشینی و تغییرات اجتماعی

بدون شک شهرنشینی تمام شئون زندگی بشر را از رژیم غذایی گرفته تا الگوی معماری، از خانواده تا نهاد سیاست و آموزش و پرورش تا نظام اقتصادی، همه و همه را تحت تاثیر قرار داده است. همزمان با گسترش شهرنشینی در یک جامعه، نهادهای مختلف اجتماعی در فرم و کارکرد دچار تغییر و تحول می شوند، از جمله در نهاد خانواده تحولاتی مانند واگذاری برخی وظایف به سایر نهاد، تغییر شکل خانواده از گسترده به هسته ای، کوچک شدن ابعاد خانوار، افزایش سن ازدواج، کاهش باروری، ارتقای سطح زندگی و بالا رفتن امید زندگی رخ می دهد. همچنین محیط شهر و امکانات آن ترکیب شغلی را بر هم زده و از فرم سنتی آن خارج می کند. اکثریت جمعیت فعال و مشاغل در جوامع شهری در بخشهای صنعتی و به ویژه در جهان سوم در بخش خدماتی مشغول به کار هستند. تعامل و ارتباطات در جامعه شهری افزایش می یابد، اما علیرغم گستردگی ارتباطات به لحاظ کمی به دلیل سطحی بودن روابط، انسان دچار از خود بیگانگی، گمنامی و رواج فردیت می شوند.

در شهر دسترسی به بهداشت و آموزش بیشتر از یکسو و فرصت کار و کسب درآمد، احساس ایمنی بیشتر به دلیل حضور در جمع کثیر از سوی دیگر سبب شده است تا که شاخص های توسعه در شهر از جمله توسعه انسانی پایدارتر و بالاتر باشد.

اما روی دیگر سکه شهر و شهرنشینی، بروز و ظهور مشکلاتی چون بی مسکنی و بدمسکنی، گسترش آسیب ها و انحرافات اجتماعی، معضل دفع زباله و عدم بازیافت آن، گسترش آسیب های روانی و شخصیتی، مشکل توزیع عادلانه تر امکانات و خدمات شهری مورد نیاز شهروندان و... است.

ویژگیها و پیامدهای توسعه شهرنشینی در ایران

باید دید که شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران چه ویژگیهایی دارد که آن را از الگوی شهرنشینی در کشورهای پیشرفته متمایز می کند؟ الگوی شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه متأثر از الگوی کشورهای شمالی و پیشرفته و نوعی تقلید ناشیانه از تجربه شهری شدن جوامع متروپل است که بازتاب کالبدی و فضایی این روند (انتقال منابع و امکانات از شهر حاشیه به متروپل) منجر به نظام معینی از اسکان و استقرار فعالیتهای و منابع که در جهان سوم الگویی نهادی شده است، می شود (سپانلو، ۱۳۷۴: ۵۶).

بررسی تحولات شهرنشینی کشور نشان می دهد که کلان شهرهای محدودی بخش عمده ای از جمعیت مناطق شهری و امکانات توسعه اقتصادی کشور را به خود جذب کرده اند و آن جا که زیرساختهای آماده ای وجود نداشت، تبعات اقتصادی- اجتماعی ناخواسته فراوانی را بر نظام اجتماعی این کشورها تحمیل کرده است. در ایران پایتخت به عنوان مادر شهر اصلی به تنهایی یک چهارم از جمعیت شهرنشین را در خود جای داده است. از این رو با توجه به جایگاه و منشا روستایی بودن اکثر جمعیت نقاط شهری، شهرهای ایران را می توان شهر مهاجرتی یا شهر مهاجران نامید. در ایران الگوی شهرنشینی همانند اکثر کشورهای آسیای غربی است. یعنی سطح شهرنشینی در حد متوسطی قرار دارد ولی رشد جمعیت شهرنشین سریع است.

مطالعه رابطه بین شهرنشینی و توسعه در سطح دنیا نشان می دهد که سهم قابل توجهی از توسعه کشورها بوسیله متغیر شهرنشینی قابل تبیین است و درعین حال این تاثیر کاملا معنادار است. به عبارتی کشورهای شهرنشین تر در دنیا کشورهای توسعه یافته تری هستند. البته نه در همه موارد، در ایران هم این ارتباط کاملا معنادار و صادق است یعنی استانهای با شهرنشینی بالاتر، نمره توسعه بالاتری هم به خود اختصاص می دهند.

شهرنشینی در کشور ما چند ویژگی عمده دارد مانند رشد شتابان، توزیع نامتوازن و تمرکز گرایانه، برونزا و در ارتباط مستقیم با فروپاشی اقتصاد کشاورزی و روستایی، گسترش اقتصاد دلالی و رونق صادرات نفت در چند دهه اخیر بوده است که برخی از صاحب نظران (کاتوزیان، ۱۳۶۶) تحت نام استبداد نفتی هم از آن یاد می کنند. شهرنشینی با خود پیامدهای مثبت و منفی فراوانی به ارمغان می آورد، به خصوص سهم الگوی شهرنشینی در این میان قابل ملاحظه است. بررسی رابطه شهرنشینی با متغیرهای اقتصادی و اجتماعی مانند طلاق، اعتیاد، سرقت، سن ازدواج، مرگ و میر کودکان، امید زندگی، مهاجرپذیری و ... بیانگر وجود رابطه همبستگی قابل توجه با هر یک از متغیرهای فوق است. شهرنشینی رابطه علت و معلولی با بسیاری از پدیده های اجتماعی دارد و نیز پیامدهای گوناگون ناشی از رشد سریع پدیده شهرنشینی در کشور قابل پیگیری است.

نتیجه گیری

با مطالعه شهرهای ایران در چند دهه گذشته، فعالیت اجتماعی و اقتصادی آنها و شکل گیری مراکز مهم، نقش بارز آنها در تصمیم گیری ها و سیاست گذاریها مشخص می شود. نخستین وظیفه برنامه های توسعه، برقراری نظم، آینده نگری و اولویت بخشیدن در هزینه های دولت است، هر برنامه ای که به این مرحله نایل شود، سهم قابل توجهی در توسعه خواهد داشت.

تجربه جوامع توسعه یافته بیانگر هم تغییری توسعه با شهرنشینی است. رابطه بین شهرنشینی و توسعه در سطح دنیا نشان می دهد که سهم قابل توجهی از توسعه کشورها به وسیله متغیر شهرنشینی قابل تبیین است.

رسیدن به رشد اقتصادی و تولید انبوه با توجه به نیازهای جامعه و استفاده بهینه از امکانات و سرمایه جامعه، هدف اصلی هر برنامه توسعه می باشد و با توجه به این که شهر مکانی است مولد و نقش تولیدی آن دلیل بر زنده بودن آن است، به همین جهت بایستی کوشش هایی صورت گیرد تا شهرهای کشور نقش تولیدی خود را بازیابند و این امر مهم تنها از طریق احیای فعالیتها و ارزشهای کم رنگ شده آنان در زمینه تولید امکان پذیر بوده و اگر سیاستها هماهنگ عمل کنند، نتایج آن را می توان مشاهده کرد. در این گزارش به سیاستهای مربوط به عامل مهاجرت و خصوصاً مهاجرپذیری اکثر شهرهای کشور است. رشد شهرنشینی در کشور ما دارای چند ویژگی عمده مانند رشد شتابان، دارای توزیع بسیار نامتوازن و تمرکزگرایانه، برونزا و در ارتباط مستقیم با فروپاشی اقتصاد کشاورزی و روستایی در چند دهه اخیر بوده است. شهرنشینی با خود پیامدهای مثبت و منفی فراوانی به ارمغان می آورد و به خصوص سهم الگوی شهرنشینی در این میان قابل توجه است. بررسی رابطه شهرنشینی با متغیرهای اقتصادی و اجتماعی بیانگر وجود رابطه همبستگی نسبتاً زیاد با هر یک از این متغیرهاست.

در واقع رشد شتابان شهرنشینی در این مدت با توان تجهیز فضاهای شهری و گسترش زیرساختها متناسب نبوده و مشاغل مولد مورد نیاز را ایجاد نکرده است. از آنجا که توزیع فضای شهرها و جمعیت کنترل شده در چارچوب یک برنامه جامع که مبتنی بر هماهنگی های بخشی و ناحیه ای باشد صورت نگرفته، مشکلات ناشی از رشد شتابان شهرنشینی ابعاد پیچیده ای یافته که در نتیجه مشکلاتی نظیر گرانی مسکن، بیکاری و اسکان غیررسمی به شدیدترین شکل ممکن در سیمای شهری کشور ظاهر شده است.

منابع

- ۱- آلون سوی، ۱۳۷۸، تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۲- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۴، جامعه شناسی توسعه، انتشارات کیهان، تهران، چاپ پنجم
- ۳- ادیبی، حسین، ۱۳۵۹، نظریات جامعه شناسی، انتشارات خردمند
- ۴- پیران، پرویز، ۱۳۶۹، دیدگاههای نظری در جامعه شناسی شهر و شهرنشینی، اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۴۰-۵۰
- ۵- پیران، پرویز، ۱۳۶۶، شهرنشینی شتابان و ناهمگون، اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۱۴۰
- ۶- توسلی، غلامعباس، ۱۳۷۴، جامعه شناسی شهری، انتشارات دانشگاه پیام نور
- ۷- تودارو، مایکل، ۱۳۶۶، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد اول، انتشارات سازمان برنامه و بودجه
- ۸- زنجانی، حبیب الله، ۱۳۷۳، جمعیت و توسعه، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول
- ۹- زنجانی، حبیب الله، ۱۳۷۰، جمعیت و شهرنشینی در ایران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول
- ۱۰- سیف اللهی، سیف الله، ۱۳۷۷، رویکردی نوین بر نظام مدیریتی، مدیریت شورایی و مشارکتی در جامعه ایران، فصلنامه بصیرت سال یازدهم شماره ۳۲-۳۳
- ۱۱- سیف اللهی، سیف الله، ۱۳۷۹، اقتصاد سیاسی ایران (مجموعه مقالات)، انتشارات موسسه پژوهشی میزان
- ۱۲- سیانلو، ابوالفتح، ۱۳۷۴، الگوی توسعه و نظام شهری، کتاب توسعه، شماره ۸۰
- ۱۳- کاتوزیان، محمدعلی، ۱۳۷۲، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، چاپ دوم
- ۱۴- کامروا، سید محمد علی، ۱۳۲۴، مقدمه ای بر شهرسازی معاصر ایران، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۴
- ۱۵- میرزایی، محمد، ۱۳۷۸، جمعیت و توسعه (مجموعه مقالات)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
- ۱۶- ممتاز، فریده، ۱۳۸۳، جامعه شناسی شهر، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، تهران.
- ۱۷- نقدی، اسداله، ۱۳۸۲، درآمدی بر جامعه شناسی شهر (انسان و شهر)، نشر فن آوران، چاپ اول، همدان.
- ۱۸- وبر، ماکس، ۱۳۶۹، شهر در گذر زمان، ترجمه شیوا کاویانی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، تهران.